یادداشت روز

اهداف و تردیدهای ترکیه در عملیات عفرین

ترکیه از تلاش خود برای سازماندهی مجدد گروه‌های تروریستی سوریه در قالب یک ارتش ۲۲ هزار نفری سخن می‌گوید و شواهد می‌گویند در حال آماده شدن برای حمله به «کانتون -در دره محلی- عفرین» واقع در غرب فرات است. در همان حال آمریکایی‌ها نیز طی هفته‌های اخیر از تلاش برای شکل‌دهی به ارتشی با مشارکت ۳۰ هزار نفر- عمدتاً کرد- حرف زده‌اند و بعضی معتقدند بزودی شاهد تحرک جدیدی از سوی ارتش آمریکا در سوریه خواهیم بود. در خصوص این موضوع گمانه‌زنی‌ها و حرف و حدیث‌های زیادی مطرح شده است. این قلم درصدد ارائه تصویری تا حدی دقیق از صحنه تحولات شمال سوریه و ارزیابی گمانه‌زنی‌های موجود می‌باشد.

۱- دولت ترکیه برخلاف مذاکرات آستانه و سوچی که میان این کشور و ایران و روسیه جریان دارد و نیز برخلاف مذاکرات سوری- سوری ژنو که تحت اشراف سازمان ملل می‌باشد با اشاره به تهدیدات سرزمینی که از ناحیه کردهای سوریه متوجه مرزهای جنوبی آن می‌باشد، از حدود هشت روز پیش حملات توپخانه‌ای به شهر «عفرین» که در فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتری مرز ترکیه قرار دارد را شروع کرد و در همان حال گفت سرگرم آماده‌سازی یک ارتش با استعداد سه سپاه مرکب از گروه‌هایی نظیر جیش‌الحر- یعنی مخالفان تروریست دولت سوریه- می‌باشد. آنکارا در عین حال عدد آن را ۲۲ هزار نفر یعنی در اندازه حدود دو لشکر اعلام کرد.

اقدام دولت ترکیه براساس قوانین شناخته شده و مورد توافق در میان کشورها، «قطعاً مصداق «تجاوز» است و می‌تواند پیامدهای وخیمی برای منطقه داشته باشد چرا که عملیات نظامی یک کشور در خاک کشور دیگر سبب پیچیده‌تر شدن شرایط شده و به تشدید مداخلات دیگران می‌انجامد. از این رو می‌توان گفت اقدام یکجانبه‌گرایانه و خلاف مقررات ارتش ترکیه در سوریه بیش از همه و زودتر از دیگران، به ضرر ترکیه خواهد بود. تجربه هم می‌گوید ارتش سوریه و متحدان آن قادر به غلبه بر این تجاوز نظامی هستند.

در این میان یک سؤال مهم هم وجود دارد. آیا ارتش ترکیه قادر است بدون مداخله مستقیم و پرحجم نظامی و صرفاً از طریق شبه نظامیان تروریستی که سال‌ها از سوی سیستم امنیتی ترکیه تغذیه و پشتیبانی شده‌اند، بر آنچه در بیانیه‌های رسمی و بیانات مقامات این کشور آمده دست یابد؟ رفتار یک گام به جلو و یک گام به عقب ارتش ترکیه از وجود تردید جدی در اتاق فرماندهی آن خبر می‌دهد. ارتش ترکیه ۸ روز است که از حمله‌ای که فقط شامل عفرین هم نمی‌شود خبر می‌دهد ولی تا امروز فقط به گلوله‌باران محدود عفرین مبادرت ورزیده است. از سوی دیگر ۲۲ هزار نفر نیرویی که آنکارا از آن سخن می‌گوید، همان تروریست‌هایی هستند که تحت عنوان «گروه‌های قابل مذاکره» در مذاکرات آستانه شناخته شده و رهبران آنان در این مذاکرات حضور یافته‌اند. کاملاً واضح است که وقتی یک گروه مسلح پس از یک دوره اقدام نظامی پای میزی می‌نشیند که طرف مقابل آن رهبران همان نظام هستند، اعتراف به شکست کرده و این در حالی است که در مقطعی که این گروه‌ها شکست خورده‌اند فضای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی سوریه بر مبنای «حذف اسد از قدرت» راهبری می‌شده است هم اینک ترکیه از ارتش جدیدی سخن می‌گوید که نیروهای آن اصلاً جدید نبوده و در مصاف‌های قبلی هم با شکست سنگین مواجه شده‌اند.

۲- ترکیه اگرچه از اینکه یک قدرت کرد در کنار مرزهای جنوبی آن شکل بگیرد نگران است ولی بعید به نظر می‌رسد که در خود یارای مقابله با آن را دیده باشد بنابراین می‌توان در مورد اصل اینکه هدف ترکیه در این عملیات تضعیف موقعیت کردهاست، تردید کرد. مقامات ترکیه در مواجهه با مسئولین ایرانی، تلاش می‌کنند تا فضای انتقاد از تصمیمات ناهماهنگ آنکارا را تعدیل کنند. از این رو علت‌العلل مداخلات ترکیه را جلوگیری از قدرت‌یابی کردهای تحت رهبری صالح مسلم معرفی می‌کنند ولی واقعیت این است که اقدامات ترکیه در شمال سوریه توأم با حسن‌نیت نیست. عدم خبردهی به ایران و سوریه- در حالی که طبق توافق، تحرکات نظامی یکی از سه کشور باید به اطلاع دو کشور دیگر برسد، از این مسئله خبر می‌دهد. با توجه به داعیه سرزمینی ترکیه علیه کشورهای سوریه و عراق می‌توان گفت ترکیه به احتمال زیاد درصدد بدست آوردن یک منطقه مهم در شمال سوریه است تا چنانچه سیستم سیاسی به سمت فدرالیزم رفت، ترکیه از اقتدار و موقعیت لازم در فدرالی‌های نزدیک به مرز دو کشور برخوردار باشد.

۳- به نظر می‌آید ترکیه از بهم پیوستن مناطق کردی استان حلب یعنی در حد فاصل شرق حلب- منطقه الباب تا ادلب واقع در شمال غربی سوریه شکل‌دهی به یک فدرالی وابسته به خود را مد نظر دارد به گونه‌ای که متضمن القای فدرالی کرد سوریه هم باشد. ترکیه سال‌هاست که برای رسیدن به چنین موضوعی یعنی اجرایی کردن مباحثات نشست لوزان- پس از جنگ جهانی اول- تلاش می‌کند. در واقع با اقدام منفرد و هماهنگ نشده با دولت دمشق، می‌خواهد بگوید تعلق این منطقه به دولت مرکزی سوریه را قبول ندارد و از این رو نمی‌توان زمانی برای بازگشت این منطقه به وضع سابق آن درنظر گرفت. این درحالی است که منطقه مورد ادعای ترکیه بخصوص در حد فاصل الباب در شمال‌شرق حلب تا عفرین واقع در شمال غرب حلب ازنظر جمعیتی یک منطقه کردی - ترکمانی است که ربط قومی با دولت مرکزی ترکیه ندارد. اقدام ترکیه جدای از اینکه تجزیه سوریه را کلید می‌زند آغاز یک درگیری جدید است. جنگی که چند طرف دارد و یک طرف آن ارتش ترکیه است. به همین دلیل تردیدی نیست که ترکیه در این مواجهه با سرعت و سهولت شکست می‌خورد.

۴- موضع روسیه در این جا اهمیت زیادی دارد چراکه از یک سو اقدامات اخیر ترکیه، عملا مذاکرات آستانه و توافقات آتی را با شکست مواجه می‌گرداند و این در حالی است که روس‌ها برای طرح خود هزینه حیثیتی کرده‌اند، ازسوی دیگر منطقه شمال سوریه منطقه تردد روس‌هاست و آنکارا نمی‌تواند پیش از جلب موافقت پوتین به چنین ریسکی دست بزند. سفر دو روز پیش رئیس سرویس اطلاعاتی ترکیه - mit- و فرمانده ارتش ترکیه به مسکو نشان می‌دهد هماهنگی‌ها از قبل صورت نگرفته است از دیگر سو فاصله گرفتن یگان نظامی سوریه از منطقه «عفرین» باز کردن دست ارتش ترکیه در شمال سوریه تلقی شده است بر این اساس خیلی از ناظرین سیاسی بر این نکته تاکید دارند که مسکو و آنکارا در حال شکل‌دهی به وضعیتی مشترک در شمال سوریه هستند. اگر این تحلیل واقعیت داشته باشد باید گفت مسکو به منفعتی کوتاه و کم اهمیت تن داده است که با هوشمندی روس‌ها سازگار نیست. تا اینجا انتقادی که به روس‌ها وارد است کم‌تحرکی آنان و انفعال در مقابل ترکیه می‌باشد.

۵- در این میان کردها اگرچه قربانی ماجرا به حساب می‌آیند چراکه قادر به مقابله با ارتش ترکیه و نیروهای تروریستی سوری مورد حمایت آنان نخواهند بود، درعین حال به نوعی مسئول این تجاوز هم به حساب می‌آیند چراکه اقدامات پیشین آنان و توسل به آمریکایی‌ها و نوعی قدرت‌نمایی کاذب، تجاوز ترکیه را درپی داشت. درواقع کردهای تحت رهبری «صالح مسلم» به دلیل کنار نیامدن با دولت مرکزی سوریه پای قدرت‌هایی نظیر آمریکا و ترکیه را به معادله شمال سوریه کشانده‌اند و درعین حال عملا به چالش مشترک دولت‌های سوریه، ترکیه و ایران تبدیل شده‌اند. این مسلما به نفع کردها نیست چراکه آنان را در دهانه یک گازانبر قرار می‌دهد و با هر حرکت آن آسیب‌پذیر می‌نماید.

۶- اقدام دولت ترکیه مسلما مناطق کاهش تنش را تحت تاثیر جدی قرار می‌دهد چراکه فلسفه مذاکراتی که از اسفند سال گذشته در آستانه دنبال شد، کاستن از درگیری‌ها و پایان دادن به بحران امنیتی در سوریه بود. درواقع ممکن است از آنچه در حال روی دادن است این تلقی پدید آید که ترکیه از اجلاس آستانه و نشست سوچی و مذاکرات ژنو خارج شده است اگر این اتفاق بیفتد طبعا ایران هم از آن خارج می‌شود و این می‌تواند طرح چند وجهی روسیه درباره سوریه را کاملا از دستور کار و توجه خارج گرداند. علاوه بر این اقدام دولت ترکیه سبب نگرانی شدید کشورهایی در منطقه می‌شود و بر روابط آنکارا با آنان تاثیر می‌گذارد.

۷- علی‌رغم تهدیدات پیاپی ضدکردی دولت اردوغان، آمریکا عملا و به نفع کردها وارد صحنه نشد و حتی پنتاگون اعلام کرد نگرانی‌های ترکیه را درک می‌کند. این درحالی است که «سیبان حمو» یکی از فرماندهان کرد سوریه به طور ضمنی از آمادگی آمریکا برای مداخله به نفع کردها خبر داد و نتیجه گرفت ترکیه نمی‌تواند به عفرین حمله کند. دراین صحنه یک بار دیگر آمریکایی‌ها محک صداقت خوردند. انفعال آمریکا دربرابر اقدامات ارتش سوریه، کردها را به اهدافی آسان و طعمه‌هایی ارزان تبدیل می‌گرداند. در این منازعه کردها نه تنها مناطق تحت تصرف خود در رقه، شرق، جنوب و غرب حلب را از دست خواهند داد بلکه ممکن است حتی نتوانند اداره استان حسکه را برای خود تضمین نمایند.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

بازی مدعیان اصلاحات در دو نقش فلج کردن دولت و متهم کردن نظام!

سرویس سیاسی-

مدعیان اصلاحات در طول سالیان متمادی گذشته چه در سال‌هایی که نقش اصلی را در چیدمان کابینه و قوه‌مجریه داشته‌اند و چه روزهایی که دولت اصلاحات بر مصدر امور بودند همواره نقش اپوزیسیون و مطالبه‌گر را بازی کرده‌اند، آنان به جای آنکه پاسخگوی مدیریت خود و نتایج آن باشند همیشه نظام اسلامی را در جایگاه متهم نشانده و این گونه القا کرده‌اند عامل نارضایتی مردم نه مدیریت آن‌ها بلکه کسان دیگری بوده‌اند!

در آشوب‌های اخیر که پس از اعتراضات به حق مردمی به برخی مشکلات معیشتی و اقتصادی و به دنبال موج سواری ضد انقلاب صورت گرفت مدعیان اصلاحات بازی دو گانه‌ای را شروع کردند، آنان از سویی چون می‌دانستند روی اصلی اعتراضات و انتقادات به حق مردمی عملکرد آنان است معیشتی بودن اعتراضات مردم و نه ضد انقلاب و آشوبگران را مورد انکار قرار داده و این انتقادات و اعتراضات به وضع بد معیشتی را به منتقدین خود و اصولگرایان منتسب کردند.

با گذشت زمان و روشن شدن موج‌سواری ضدانقلاب بر روی مطالبات به حق مردمی مدعیان اصلاحات که تا دیروز معیشتی بودن اعتراضات را منکر می‌شدند یک هم زبان پیدا کردند، عده‌ای در خیابان‌ها مساجد، حسینیه‌ها و پرچم کشور را آتش می‌زدند، اموال عمومی را تخریب و به قتل بی‌گناهان و مردم عادی می‌پرداختند و اینان خواستار آن می‌شدند که سخنان مردم شنیده شود و بی‌گناهانی که دستگیر شده‌اند آزاد گردند!

این بازی مزورانه دیر زمانی طول نکشید چرا که همگان در حال تماشای صحنه بودند و می‌دانستند که معترضان واقعی که مطالبات معیشتی و اقتصادی دارند چه کسانی هستند و موج‌سواران چه افراد و گروه‌هایی، مدعیان اصلاحات که بایستی پاسخگوی عملکرد خود در دولت‌های متعدد پس ازانقلاب باشند و بگویند در مسئولیت‌هایی که به عهده داشته‌اند برای حل مشکلات مردم چه کرده‌اند این روزها در قامت مطالبه‌گر سوالاتی را مطرح می‌کنند که پاسخگوی واقعی این سوالات بایستی خود آنان باشند.

حافظان امنیت وظیفه خود را انجام دادند شما چه کردید؟!

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد در شماره دیروز خود به قلم یکی از مدعیان اصلاحات سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس را مورد خطاب قرار داده و با اشاره به سخن اخیر این سردار سرافراز که «ای کاش به جای آتش زدن پرچم مرا ده بار آتش می‌زدند» سوالاتی را خطاب به ایشان مطرح کرده است.

در بخشی از این یادداشت آمده است: «مسئله مهم‌تر از آتش زدن آن پرچم به سکوت ناظران در برابر این رفتار است که ظاهرا کمتر توجه ما را به خود جلب کرده است. صادقانه و صریح بگوییم، اگر می‌توانستم، حتما دست چنان جوانی را می‌گرفتم و در اولین فرصت او را از زندان رها می‌کردم. این زندان جای کسانی است که عمر خود را در مقام بی‌تدبیری و اتلاف منابع کشور و پرخاشگری به این و آن گذرانده‌اند و اکنون نیز طلبکار می‌شوند.»

درباره این نوشته سوالات زیادی را می‌توان از مدعیان پرسید و نکات مهمی را گوشزد کرد، نخست آنکه «سردار سلیمانی‌ها» به عنوان حافظان امنیت و ثبات کشور به وظایف خود به خوبی عمل کرده‌اند و امنیت مثال‌زدنی امروز کشور که نظیری برای آن در منطقه و جهان دیده نمی‌شود موید این عمل به وظیفه سرداران امنیت کشور است حال در مقابل آیا مدیران کشور نیز این گونه بوده‌اند؟!

نگاهی به ترکیب دولت‌های پس از انقلاب بخصوص از دهه هفتاد تاکنون به خوبی نشان می‌دهد که اکثریت دولت‌ها و مدیران اجرایی کشور به مدعیان اصلاحات و یا متحدین این جریان تعلق داشته است، از یکه تازی «کارگزاران» در دولت به اصطلاح «سازندگی» تا مدیریت هشت ساله اصلاح‌طلبان در «دولت اصلاحات» و امروز که مدعیان اصلاحات سهم عمده‌ای از کابینه را به خود اختصاص داده‌اند همه و همه به وجود آورنده این سوال بسیار مهم است که آیا مدیران سی سال گذشته می‌توانند در مسند مطالبه‌گر نشسته و عملکرد خود را به کل نظام تسری دهند؟!

جواب متقن و منطقی آن است که این مدیران بایستی به جای سوال از نظام پاسخ دهند که چه کرده‌اند که امروز معیشت مردم به این سختی می‌گذرد، مگر اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی کشور دیروز و امروز دست آنان نبوده و نیست؟

مدیران دولت سازندگی، اصلاحات و تدبیر و امید همه یا اصلاح‌طلبان بوده‌اند و یا کارگزاران که متحد طبیعی جریان اصلاحات محسوب می‌شوند حال بر اساس نوشته روزنامه زنجیره‌ای اعتماد بایستی به جای آشوبگرانی که پرچم ایران را آتش زده‌اند این مدیران دستگیر و زندانی شوند!

حضور مدعیان اصلاحات در دولت یازدهم و دوازدهم که مستندات علیرغم فریادهای مزورانه نشان‌دهنده سهم عمده آنان در کابینه است دولت را از نظر رسیدگی به امور اقتصادی کشور فلج و دچار حاشیه‌های غیر ضرور و بعضا مهلک ساخته است، دولت یازدهم و دوازدهم به جای رسیدگی به مشکلات کشور هر روز درگیر حاشیه‌سازی و پاسخ به انتقاداتی است که مدعیان اصلاحات عامل به وجود آورنده این انتقادات بوده‌اند.

اصلاح‌طلبان همواره نشان داده‌اند پاسخگوی وضعیتی که به وجود آورده‌اند نیستند، آنان زمانی که اعتراضات مردمی به وضع بد معیشتی را می‌بینند ابتدا منکر این اعتراضات و یا معیشتی بودن آن می‌شوند، در ادامه وقتی که صدای انتقادات به آسمان می‌رسد باز به جای پاسخگویی نظام را متهم می‌سازند و حتی در برخی موارد چنانچه در ماه‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم به جای پاسخ به عملکرد رئیس‌جمهور و دولتی که نقش اساسی در پیروزی آن در انتخابات داشته‌اند لباس نقد همین دولت را به تن می‌کنند و نسبت به وضع بد اقتصادی گلایه می‌کنند بی‌آنکه بگویند خود مدیران اجرایی همین دولت هستند و خودکرده را تدبیر نیست!

گزارش یک اندیشکده انگلیسی از رابطه مالی آمریکا و آشوبگران

دولت ترامپ بیش از یک میلیون دلار برای بهره‌برداری از ناآرامی‌های ایران هزینه کرد.

مدیر اندیشکده «تحقیقات و توسعه سیاسی» انگلیس نوشت: اسناد رسمی کنگره و گزارش‌های بودجه مربوط به کمک‌های برون‌مرزی آمریکا نشان می‌دهد دولت آمریکا بیش از یک میلیون دلار برای «بهره‌برداری» از ناآرامی‌های اخیر در برخی از شهرهای ایران هزینه کرده است.

«نفیظ مصدق احمد»، نویسنده و روزنامه‌نگار تحقیقی انگلیسی که مدیر اندیشکده «تحقیقات و توسعه سیاسی» است از مجموعه‌ای از اسناد رسمی، از تحقیقات کنگره گرفته تا گزارش‌های بودجه مربوط به کمک‌های برون‌مرزی آمریکا، برای تدوین این گزارش تحقیقی استفاده و در وبگاه «www.insurgeintelligence.com» منتشر کرده است.

این محقق که صاحب آثار متعددی درباره دلایل خشونت‌های جمعی است، نوشته است: «این اسناد نشان می‌دهند دولت آمریکا کماکان علاقه‌مند به ایجاد تغییرات سیاسی عمده در ایران است تا بتواند این کشور را در مدار منافع آمریکا قرار دهد.»

به نوشته «نفیظ احمد»، رویکرد دولت آمریکا بهره‌گیری از ناآرامی‌های سیاسی و سایر بحران‌ها- اعم از بحران آب- به منظور بسیج افکار عمومی علیه حکومت ایران را شامل می‌شود.

وی در ادامه نوشته است: «مجموعه همایندی از بحران‌های زیست‌محیطی، انرژی و اقتصادی عامل هدایت‌کننده ناآرامی‌های ایران بوده‌اند. وزارت خارجه آمریکا در صدد آن بوده از این بحران‌ها برای تضعیف مشروعیت نظام حاکم ایران استفاده کند و در این راستا، اقدام به تأمین مالی گروه‌های معارض و همچنین پخش برنامه‌هایی ضد حاکمیت ایران، با هزینه‌ای معادل ده‌ها میلیون دلار در سال کرده است.» این محقق، تأکید می‌کند: «اسناد دولت آمریکا از سال ۲۰۱۶ تا به امروز نشان می‌دهند دولت ترامپ، بیش از دست‌کم ۱ میلیون دلار برای تأمین مالی فعالیت‌های گروه‌های مخالف با نظام حاکم ایران هزینه کرده‌اند.»

وی، با وجود این یادآوری کرده که این سیاست، جدید نیست و دولت‌های مختلف آمریکا از سال ۲۰۰۶ به بعد سالانه ده‌ها میلیون دلار برای برنامه‌های موسوم به «ارتقاء دموکراسی» که پوششی برای پیگیری برنامه‌های براندازی هستند، پول خرج کرده‌اند. **بقیه در صفحه ۱۰**

خبر ویژه

اگر امضای کری تضمین است این سرگردانی برای چیست؟!

معاون وزیر خارجه و عضو تیم مذاکره کننده توافق هسته‌ای می‌گوید برجام تمام موانعی را که باید از سر راه اقتصاد برمی‌داشت، برداشته است.

عباس عراقچی در همایش اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی اظهار داشت: موانعی که برجام قرار بود بردارد کاملاً برداشته شده و حتی یک مثال هم وجود ندارد که برجام قرار بوده است تحریم یا مانعی را بردارد و برنداشته است.

وی پس از اشاره به پیروزی‌های ایران در منطقه، درباره دیگر دستاوردهای ایران از برجام گفت: امروز ایران نفتش را می‌فروشد، پتروشیمی‌اش را صادر می‌کند دنیا دارد با ما کار می‌کند، تحریم‌های اصلی بانکی برداشته شده، هواپیمای‌مان را می‌خریم و آنچنان ثبات سیاسی داریم که بیش از ۷۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت می‌کنند این چیزهاست که آمریکایی‌ها را عصبانی کرده و می‌خواهند به هر قیمتی جلوی برجام را بگیرند.

عراقچی که اخیراً احتمال داده بود، ترامپ از برجام خارج شود، احتمال خروج وی از برجام را رد کرد و گفت: حالا که ترامپ نمی‌تواند برجام را از بین ببرد یا از آن خارج شود چاره‌ای ندارد تا دستاوردهای ایران از برجام را به حداقل برساند.

معاون وزارت خارجه با بیان اینکه آمریکایی‌ها برای به حداقل رساندن بهره‌مندی ایران از مزایای برجام برنامه‌ریزی کردند گفت: آمریکایی‌ها در حال حاضر به شرکت‌ها و بانک‌ها فشار وارد می‌کنند تا با ایران وارد کار نشوند و این کار را با ایجاد یک فضای سرگردانی و ابهام انجام می‌دهند.

عراقچی با اشاره به وعده‌های چند ماهه ترامپ برای خروج از برجام یا تردیدهای مکرر او گفت: آمریکایی‌ها با این شیوه یک حصار سرگردانی و بلاتکلیفی ایجاد کرده‌اند که طرف‌های تجاری نتوانند با ایران کار کنند.

وی با بیان اینکه ما نباید اجازه بدهیم این فضای بلاتکلیفی ادامه بیابد گفت: باید این بازی را هر چه سریع‌تر تمام کنیم و نباید اجازه داد ترامپ این بازی را تا ابد ادامه دهد.

وی گفت: بعد از ۱۲ ژانویه یک رغبت جدید در شرکت‌ها برای تعامل با ایران دیده می‌شود و ما باید از این فرصت استفاده کنیم و اجازه ندهیم فضای بلاتکلیفی همچنان ادامه یابد و باید به این فضای بلاتکلیفی و غیرمطمئن پایان داد.

سخنان عراقچی در حالی است که پیش از این رئیس بانک مرکزی تصریح کرد «عایدی برجام برای ایران تقریباً هیچ بوده است.» همچنین وزیر امور خارجه شهریور امسال در جمع وزرای خارجه امضا کننده برجام تأکید کرد: بعد از ۲۰ ماه هنوز هم نمی‌توانیم حتی یک حساب بانکی در انگلیس باز کنیم.

در عین حال برخلاف اظهارات آقای عراقچی، رئیس جمهور در روز امضای برجام تصریح کرده بود در روز اجرای برجام، همه تحریم‌ها حتی تحریم‌های مالی و بانکی بالمره لغو خواهد شد. این در حالی است که برخی تحریم‌ها به واسطه نقض برجام در دولت اوباما و ترامپ، بازگشته‌اند.

از سوی دیگر پیروزی‌های ایران در منطقه یا ثبات سیاسی کشور ربطی به برجام ندارد؛ چنان که قبل از برجام نیز این ثبات و روند پیروزی در منطقه تداوم داشته است؛ اتفاقاً برعکس، برخی عوارض برجام منجر به چالش‌های اقتصادی و سیاسی در کشور (نظیر اغتشاش) اخیر شد. برخی محافل دولتی نیز بی‌میل نبودند امتیازدهی با مدل برجام را به قدرت موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران هم توسعه دهند که با مخالفت صریح رهبر انقلاب متوقف شدند وگرنه، باید از پیروزی‌های منطقه‌ای چشم می‌پوشیدیم و داعش را در کنار مرزهای خود می‌پذیرفتیم که قطعاً به بی‌ثباتی دامن می‌زند.

نکته بعدی این است که تیم مذاکره کننده برجام را چرا با منافذ فراوان پذیرفت؟ برجام چگونه تنظیم شده که به تعبیر آقای عراقچی، ترامپ سعی می‌کند دستاوردهای ایران را به حداقل برساند و با تحت فشار قراردادن شرکت و بانک‌های خارجی، فضای سرگردانی و ابهام ایجاد کند؟ اگر برجام پر از اشکال و منفذ نبود و آقای عراقچی با سهل‌اندیشی نمی‌گفت «امضای کری تضمین است»، آیا آمریکا می‌توانست این فضای ابهام و سرگردانی را بدون اینکه هزینه‌ای بپردازد، ایجاد کند؟! چرا تعهدات برجام نامتوازن، ناهمزمان، برگشت‌ناپذیر برای ما و برگشت‌پذیر و قابل نقض برای طرف آمریکایی و فاقد مکانیسم حقوقی مفیدهنگام شکایت تنظیم شد؟! چرا وزارت خارجه پذیرفت که دولت آمریکا مجاز باشد تعلیق تحریم‌ها را هر ۴ ماه یک بار تمدید کند؟ کدام سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند سرمایه‌گذاری کوتاه مدت (چه رسد بلند مدت) ظرف ۴ ماه انجام دهد و خاطرش از بازگشت تحریم‌ها جمع باشد؟!

خوش‌رقصی اروپا برای ترامپ با زمزمه تحریم‌های جدید

اتحادیه اروپا برخلاف ژست همراهی با ایران درباره برجام، در تحریم‌های جدید علیه ایران همراه می‌شود.

به گزارش دویچه‌وله در آخرین شماره هفته‌نامه اشپیگل که شنبه منتشر شد، به نقل از محافل دیپلماتیک در بروکسل فاش شد آلمان، فرانسه و بریتانیا در پی وضع تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. اتحادیه اروپا می‌گوید می‌خواهد با این تحریم‌ها با سیاست‌های بی‌ثبات‌سازی منطقه توسط ایران مقابله کند.

اشپیگل می‌افزاید، آلمان تلاش می‌کند با ترغیب شرکای اروپایی به اعمال تحریم‌های جدید از یک سو برنامه موشکی ایران را هدف گیرند و نشان دهند در قبال سیاست‌های ایران بی‌تفاوت نیستند و از سوی دیگر به دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا بگویند که انتقادهای او را نسبت به برجام جدی می‌گیرند.(!)

این هفته‌نامه می‌افزاید: «اتحادیه اروپا می‌خواهد با این تحریم‌ها، نگرانی‌ها و تردیدهای ترامپ را رفع کرده و همچنین مانع لطمه خوردن برجام شود».

اشپیگل همچنین یادآوری کرده است که تحریم‌های تسلیحاتی ایران و همچنین تحریم‌های مربوط به نقض حقوق بشر نیز کماکان به قوت خود باقی هستند.

در همین حال روزنامه فایننشال تایمز در گزارش مشابهی نوشت: اتحادیه اروپا فشارها را بر ایران افزایش می‌دهد.

فایننشال تایمز نوشت: تهدید پاره کردن توافق هسته‌ای تاریخی با ایران از جانب ترامپ، کشورهای اروپایی را بر آن داشت تا فشارها را بر برنامه موشکی ایران و نقش این کشور در درگیری‌های منطقه‌ای، افزایش دهند.

«فایننشال تایمز» در ادامه تصریح کرد: به نقل از وزارت خارجه آلمان، وزرای امور خارجه آلمان، فرانسه و بریتانیا به همراه فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در مورد برگزاری «گفت‌وگویی فشرده و جدی» با ایران بر سر برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای این کشور، توافق کرده‌اند.

پس از آن که مقامات اروپایی هفته گذشته در بروکسل با جواد ظریف وزیر خارجه ایران دیدار کردند، زیگمار گابریل وزیر امور خارجه آلمان، همتای آمریکایی خود را در مورد این برنامه توجیه کرد.

این نشست یک روز پیش از این برگزار شد که آقای ترامپ به طرف‌های اروپایی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ هشدار داد که این «آخرین شانس» آن‌ها برای اصلاح این توافق است و آخرین باری است که معافیت‌های تحریمی ایران را تمدید می‌کند.

این رسانه انگلیسی اضافه کرد: دیپلمات‌های اروپایی اکنون مصرانه خواهان دریافت اطلاعات بیشتر از مقامات کاخ سفید هستند تا بدانند که آقای ترامپ چه می‌خواهد و چگونه می‌توان در ضرب‌الاجل ۱۲۰ روزه تعیین شده، به خواسته‌های وی جامه عمل بپوشانند(!)

نشریه آمریکایی فوربز در همین زمینه نوشت: اروپا درباره ایران، به مواضع ترامپ نزدیک می‌شود.

مشاور خاتمی: کم‌کاری روحانی نگران‌کننده است

مشاور خاتمی: روحانی وقت کافی برای دولت صرف نمی‌کند

کم وقت گذاشتن حسن روحانی برای کارهای اجرایی، صدای محافل حامی دولت را نیز درآورد.

سایت فراروز از سایت‌های حامی دولت نوشت: رئیس‌جمهور کمتر از ۱۰ ساعت در روز کار می‌کند. چند روز پیش عبدالله ناصری فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت که حسن روحانی، از ساعت ۹ و نیم صبح تا هفت شب در دفتر خود حضور دارد. وی در گفت‌وگویی که با روزنامه فرهیختگان داشته گفته «روحانی در مقایسه با همه رؤسای جمهور پیشین بعد از انقلاب، وقت برای دولت نمی‌گذارد. او همچنین روایت کرده که علی‌اکبر ناطق نوری، از چهره‌های سیاسی حامی دولت در این باره به روحانی اعتراض کرده و گفته؛ من که الان فقط یک حوزه علمیه در لواسان دارم از ساعت ۶:۳۰ صبح آنجا حاضر می‌شوم و شما باید کمی زودتر بروید و به سخن وزرایتان گوش کنید.»

نقل این جملات از سوی یک فعال حامی دولت، واکنش‌هایی را در پی داشته است. روزنامه کیهان با نقل این جملات مدعی شده که مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در اواخر عمر خود منتقد شیوه کار کردن حسن روحانی شده بود. این روزنامه نوشته: مرحوم هاشمی رفسنجانی در آخرین جلسه یکی از کمیسیون‌های «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، از شیوه مدیریت روحانی گلایه و انتقاد جدی کرده بود؛ به این دلیل که وقت کافی روزانه برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی نمی‌گذارد و هم اینکه از موضع بالا برخورد کردند و ملاقات با او حتی برای من (هاشمی) هم آسان نیست.

فرارو با بیان اینکه احمدی‌نژاد به هنگام ریاست‌جمهوری، روزی ۲۰ ساعت کار می‌کرد و روحانی ۴۰ درصد خاتمی و هاشمی و یک‌سوم احمدی‌نژاد برای ریاست‌جمهوری وقت می‌گذارد، می‌افزاید: بعضی نزدیکان رئیس‌جمهور آمار ورود و خروج روحانی به نهاد ریاست‌جمهوری را تایید و تکذیب نمی‌کنند. حسام‌الدین آشنا در پاسخ به عبدالله ناصری که روحانی را کم کار دانسته، در توئیتر خود پاسخ داده: «آیا کارت ساعت حضور و غیاب رئیس‌جمهور در اختیار ایشان است؟ آقا / خانم «می‌گویند» کیست؟ جریان آقای ناطق را خودشان برای ایشان تعریف کرده‌اند یا همان جناب می‌گویند؟ کار ریاست‌جمهوری شبانه‌روزی است.»

اما عبدالله ناصری، مشاور خاتمی که از کم کاری روحانی خبر داده به فرارو می‌گوید: واقعیت این است که گاهی اوقات آقایان خامنه‌ای، موسوی، هاشمی رفسنجانی، خاتمی و حتی احمدی‌نژاد شب‌ها آنقدر تا دیروقت سر کار بودند که در دفترشان می‌خوابیدند و برای فاصله کوتاهی به منزل نمی‌رفتند. آقای هاشمی و آقای خاتمی به طور متوسط ۱۶ تا ۱۸ ساعت در روز کار می‌کردند. آنها حداقل از ۷ صبح تا ۱۱ شب سر کار بودند. آقای خاتمی شب‌های زیادی جلساتش دیروقت دیروقت تمام می‌شد. او چون صبح روز بعد هم دوباره جلسه داشت در همان دفتر می‌خوابید و به جماران نمی‌رفت. آقای هاشمی هم با سن و سالی که داشت برای مدیران و استاندارانش بسیار وقت می‌گذاشت.

در دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای هم با وجود آنکه نخست‌وزیر رئیس‌دولت بود، آقای خامنه‌ای وقت کافی می‌گذاشتند.

وی ادامه می‌دهد: در دولت اول روحانی هیچ کدام از استانداران با رئیس‌جمهور جلسه خصوصی نداشتند. استاندار رئیس‌جمهور استان است. در طول تاریخ قبل و بعد از انقلاب بی‌سابقه است که استانداری در طول چهارسال بارها درخواست جلسه اختصاصی با رئیس‌جمهور کند اما به خواسته‌اش نرسد. در دولت یازدهم فقط استاندار کرمانشاه موفق شد با آقای روحانی جلسه خصوصی داشته باشد. از بیست و اندی نفر که عضو کابینه دولت آقای روحانی هستند، جز وزرای معدودی مثل آقای ظریف بقیه وزرا با رئیس‌جمهور جلسه اختصاصی نداشته‌اند و این حتما از نقاط ضعف آقای روحانی است. معروف است که صندلی آقای روحانی در جلسات هیئت دولت خالی است و جلسات را آقای جهانگیری اداره می‌کند. این کم حوصلگی آقای روحانی مورد اذعان و تایید نزدیکان او هم هست. من در این ۵-۴ سال با استانداران زیادی صحبت کرده‌ام. بسیاری از آنها احساس بی‌پشتوانگی می‌کنند. ممکن است بی‌پشتوانگی واقعیت نداشته باشد اما اینکه استاندار احساس بی‌پشتوانگی کند خیلی بد است. پرکاری فی‌نفسه قابل ستایش و کم‌تحرکی آقای روحانی هم قابل سرزنش است.

ناصری می‌گوید: آقای روحانی به رغم آنکه تا سال ۱۴۰۰ مورد حمایت اصلاح‌طلبان واقع خواهد شد، اما این نقاط ضعف را دارد و باید آن را برطرف کند.

تحلیلگر صهیونیست: ایران در سوریه دشمنی مهلک را نابود کرد

یک پژوهشگر امنیتی ارشد رژیم صهیونیستی گفت ایران برنده اصلی جنگ با داعش است.

سیما شاین پژوهشگر موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، دارای سوابق فعالیت ممتد اطلاعاتی است.

او بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ مسئول ارشد موساد و شاخه اطلاعاتی «آی. دی.اف» و پس از آن معاون شورای امنیت ملی اسرائیل بود.

وی اکنون به عنوان پژوهشگر در موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل که تاثیرگذارترین اتاق فکر مطالعات راهبردی در اسرائیل به شمار می‌رود، فعالیت می‌کند.

او در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لوموند گفت: ایران بزرگترین برنده مبارزه ضد سازمان دولتی داعش است.

نیروهای ایرانی برای اولین بار به خارج از مر